



۱۲

تذکر ویژه

مراجع بی فالوور ۶۰۰۰۰

رصد توصیفی

نظر کاربران توئیتر در مورد نامزدها | ۵

نظر سنجی

میزان رضایت مردم از مناظرات | ۳

آمار انتخاباتی

ادامه در صفحه ۳

درصد رشد فالور کاندیداهای انتخابات ۱۴۰۰

۰.۶۱%	سعید جلیلی	
۰%	محسن رضایی	
۰.۷۹%	سید ابراهیم رئیسی	
۱.۹۷%	علیرضا زاکانی	
۰.۱۰%	امیرحسین قاضی زاده هاشمی	
۰%	محسن مهر علیزاده	
۱.۷۱%	عبد الناصر همتی	

یادداشت ویژه

ادامه در صفحه ۴

انتخابات سیزدهم و انقلاب دوم

محمد جلیلی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی / پژوهشگر حوزه سایبری
نباید فراموش کرد که انقلاب ۵۷ ایران، متعلق به پابرهنگانی است که با دگرگون سازی ساختار یک دیکتاتوری وراثتی، خواست اکثریت مسلمان را شاخص حیات حاکمیت آن ساختند. نایبست نادیده گرفت که قدرت یابی انقلاب اسلامی، مرهون مبارزه‌ای صدساله است و برای خاموش کردن غریو آن، فضل الله را به دار آویختند، از زنان حجاب کشیدند، گوهرشاد را به خون نشانند، بر نواب گلوله بستند، مصدق را به تبعید بردند، فیضیه را دستوپا شکستند و از خرداد ۴۲ تا شهریور ۵۷، رؤیایپردازان تحقیقش را به سرنیزه شاهنشاهی و شکنجه‌های ساواکی دادند. تمام این مصائب در راه جایگزینی تحکیمات فساد انگیز خانواده‌ای نالایق با شایستگان و صالحانی منتخب اکثریت و دلسوز امت بود که «صندلی قدرت را جز مجرای خدمت نبینند، قانون خدا را به تاراج کدخدا نبرند و منفعت مسلمین را به رضایت کافرین نسپارند». انقلاب ایران تنها رژیم سیاسی است که قانون اساسی اش را با دخالت مستقیم نمایندگان مردم نگاشت، به نقد و رأی عمومی گذاشت و با حمایتی ۹۹ درصدی، میزان و معیار تصمیمات مسئولینش قرار داد. انقلاب، فرم جمهوری را برگزید تا همراهی، نظارت و دخالت جمهور

تحلیل برآیندی

شش کلاس صواد!

حسن آقا جانی

طلبه سطوح عالی حوزه علمیه قم / کنشگر مذهبی



از عنوان یادداشت ناگفته پیداست که بناست در مورد چه مطلبی بنویسیم. شما هم در بحبوحه مناظرات -یا مجادلات- انتخاباتی، حتما شنیدید که نامزدی به نامزدی دیگر گفت که وی به درد حل مشکل اقتصادی مملکت نمی خورد؛ زیرا شش کلاس بیشتر سواد ندارد. این، بهانه‌ای شد تا نگاهی بیندازیم به سیر، روش و مفاد دروس حوزوی و همچنین معادل‌سازی دروس آن با مدارک دانشگاهی. این یادداشت، سیاسی نیست!

فرض کنیم تصمیم می‌گیرید بیایید در حوزه علمیه ثبت‌نام کنید. (در حد فرض دیگر). هم‌اکنون حوزه علمیه، از سه مقطع تحصیلی اقدام به پذیرش طلبه می‌کند: مدرک سیکل (معادل فعلی‌اش: کلاس هشتم)، مدرک دیپلم (یازدهم یا دوازدهم) و مدرک لیسانس (کارشناسی) و بالاتر. شما در یکی از این

این مقاطع پذیرش می‌شوید. به مدرسه‌ای می‌روید که از مقطع شما پذیرش دارد. دوران تحصیل شما در حوزه به چهار سطح تقسیم می‌شود؛ نخست شش سال مقدمات را دارید! جالب است که طی این دوران می‌توانستید لااقل دوره کارشناسی یک رشته دانشگاهی را سپری کنید، اما معادل مدرک پایه ششم حوزه، کاردانی است. در این شش سال، علوم مختلف ادبیات عرب (صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع)، منطق، کلام، تفسیر، نهج البلاغه، فقه، اصول فقه، فلسفه و آیین نگارش -و چند دانش دیگر- را، هر یک تا حدودی، فرا می‌گیرید. در این شش سال، صبح و بعد از ظهر کلاس دارید؛ سپس باید به مباحثه دروس پردازید و وقت نسبتاً زیادی هم برای مطالعه دروس نیاز دارید. تقریباً ۲۴ ساعته باید درگیر درس و بحث باشید تا پس از این شش سال، به‌تان بگویند «جوجه طلبه!». مزاح می‌کنم. شما پس از موفقیت در امتحان‌های کتبی و شفاهی این شش سال، مدرک سطح ۱ حوزه را دریافت می‌کنید. البته باور بفرمایید عنوان جوجه‌طلبگی، بیشتر از مدرک سطح یک برای‌تان کار راه می‌اندازد.

پس از تکمیل این سطح، وارد سطح دوم حوزه علمیه می‌شوید؛ جایی که طبق جریان غالب حوزه، با تمرکز بیشتری به تحصیل در رشته فقه و اصول فقه -به همراه تفسیر، حدیث، رجال، فلسفه و...- می‌پردازید؛ سطح دوم یعنی پایه های هفتم و هشتم؛ که این‌جا هم پنج شش روز در هفته را باید تمام وقت به درس مشغول باشید. همه برنامه‌های مباحثه و مطالعه و امتحان شفاهی و کتبی و غیره هم کما فی السابق برقرار است. پس از هشت سال تحصیل، با دوندگی اداری، معادل مدرک کارشناسی علوم و معارف اسلامی را دریافت می‌کنید. (بله، طبیعی است که به این مفاد تحصیلی لیسانس فیزیک هسته‌ای نمی‌دهند.) البته در این سطوح عالی، می‌توانید در کنار فقه و اصول فقه، رشته های تخصصی دیگری از فلسفه و کلام گرفته تا تاریخ، روان‌شناسی، مهدویت

و غیره نیز تحصیلات عالی را در مؤسسات حوزوی مطالعه کنید. برخی از این مؤسسات، با تأیید مواد درسی، از طرف وزارت علوم قادر به اعطای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد هستند. نهمین و دهمین پایه تحصیلی حوزه علمیه، سطح سوم نام دارد که دروس آن ادامه‌یافته و رشدیافته دروس سطح دوم هستند. پس از تکمیل کلیه امتحانات کتبی و شفاهی ده پایه و ارائه و دفاع موفق از پایان‌نامه سطح سوم، یعنی مسیری که اغلب طلاب بیش از ده سال از عمر خود را صرف آن می‌کنند، موفق به دریافت مدرک سطح سوم حوزه (معادل کارشناسی ارشد) می‌گردید. سطح چهارم حوزه هم دوره زمانی معینی ندارد و روندی مانند دوره دکتری دانشگاه دارد، با ساعات بسیار بیشتر درسی.

خلاصه این‌که اگر دنبال مدرک برای تصدی مسئولیت می‌گردید، آمدن به حوزه سرمایه‌گذاری خوبی نیست. خیلی طول می‌کشد و درس خواندن در آن، فرصت کار و زندگی را از شما می‌گیرد. بعید است کسی به طمع مدرک به حوزه بیاید.

رسانه‌های اجتماعی نیز در این ایام، موطن بحث‌های انتخاباتی است. ماجرای سواد حوزوی نیز یکی از جنجال‌آفرینان بود. جدا از کم‌دقتی اخلاقی انجام‌شده مناظرات، برخی معتقدند تحصیلات حوزوی و یا دانشگاهی حوزوی (مانند دانشگاه شهید مطهری و یا دانشگاه امام صادق) به محصل، دید کمی و اجرایی نمی‌دهد و برای ریاست جمهوری، نیاز به فردی داریم که خود بتواند تحلیل اقتصادی داشته و مشاوران خود را از این نظر بیازماید و در تله مشورت‌های خطا نیفتد.

این دیدگاه گرچه دور از صواب نیست، اما رهبران کشورهای مختلف، دانشجوی رشته‌هایی غیراقتصادی و بعضاً فلسفه بوده‌اند. از بایدن و ترودو گرفته تا پوتین و مرکل، هیچ‌یک در رشته‌های مهندسی و اقتصاد درس نخوانده‌اند. برای مدیریت اجرایی، فهم عددی و کمی مهم است، اما بپذیریم همه دانش‌های دنیا فقط در رشته دانشگاهی‌شان به دست نمی‌آیند!

ترند هفته

#رئیس

با داغ شدن فضای انتخاباتی در کشور و نزدیک شدن به سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری ترند رئیسی به عنوان بیشترین مورد استفاده از هشتگ در میان کاربران فارسی زبان قرار گرفته است.

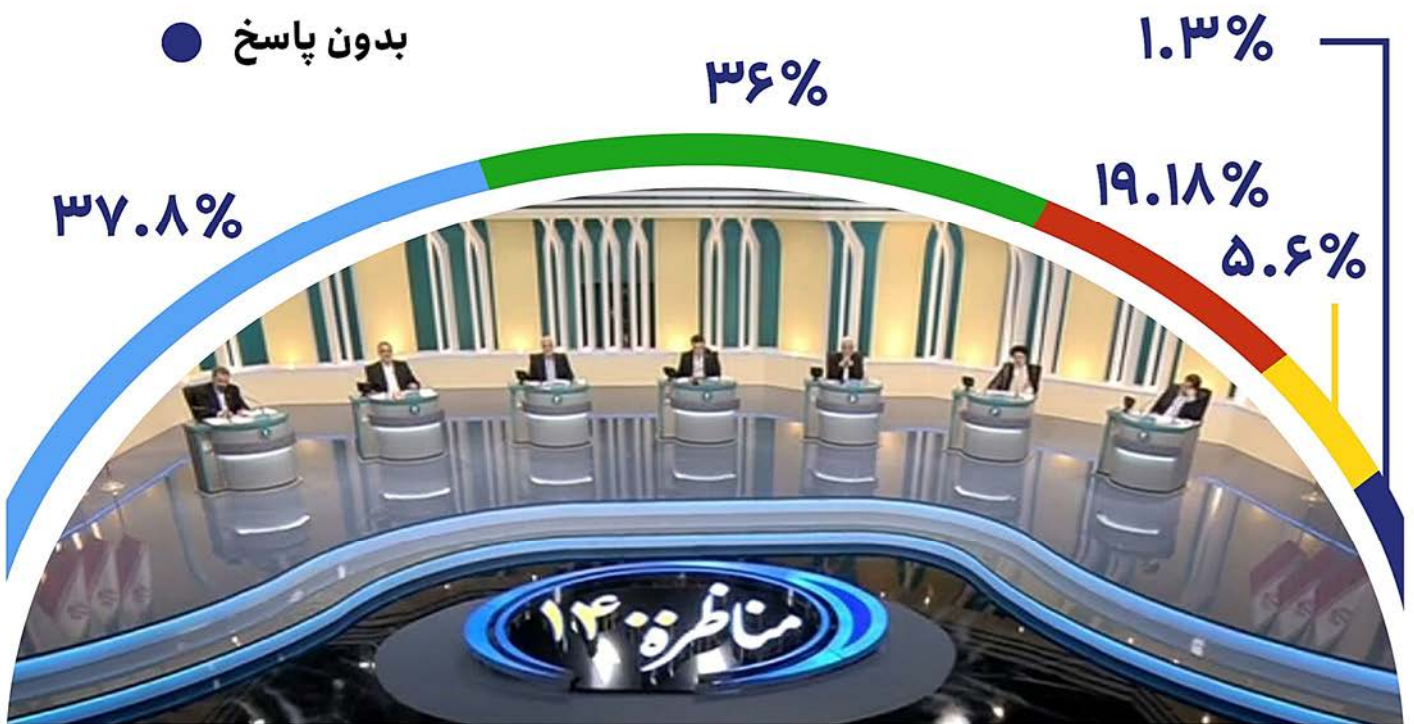


نظر سنجی

میزان رضایت مردم از نحوه برگزاری مناظرات انتخابات ریاست جمهوری

- کاملاً رضایت دارم
- تا حدود رضایت دارم
- اصلاً رضایت ندارم
- نمی دانم
- بدون پاسخ

بررسی ۳۵۰۰ پرسشنامه آنلاین



رصد قیاسی

رویکرد کاربران اینستاگرام

همتی
۵۰۰۰
رئیس
۱۲۰۰۰

تعداد کامنت ها



● منفی

● مثبت

○ خنثی

یادداشت ویژه

ادامه از صفحه اول

جمهور، فقدان شفافیت، تفرعن در پاسخگویی، عدم رسیدگی و حضور در کنار محرومین، نشنیدن صدای معترضین، شرطی‌سازی اقتصاد داخلی با دلار آمریکایی و تصمیمات واشینگنتی و نیز رخداد مفاسد مالی، رانتی و مدیریتی» را نسنجید.

اینان برای شورای نگهبان، مهندسی آراء به سلیقه خود را تکلیف کردند و از آن خواستند تا کسانی را که صلاحیت قانونی ندارند - از آنجاکه گزینه مطلوب این‌ها و دارای شهرت بیشتری است - به‌عنوان کاندید صالح معرفی کند؛ در غیر این صورت - درحالی‌که برای ۲۳ سال، حکمرانی بر قوه مجریه و مقننه را در دست دارند - از رد صلاحیت استصوابی شورا و انکار لزوم تطبیق سوابق با قانون اساسی و شرع مقدس ابایی نداشته و نظام را متهم به حذف مخالفین فکری می‌کنند. برخی دیگر نیز به صراحت عدم رأی‌دهی را وسیله تأدیب سیاسی نظام نامیده و اغراض خود را در کاهش اعتماد عمومی به صندوق‌ها و تضعیف امید به حل مشکلات دنبال می‌کنند. بنابراین عده‌ای به‌وضوح در تقابل با نصایح مؤکد امام و رهبری - در لزوم مشارکت و انتخاب اصلاح - ایستاده و هر جا قانونی را از پیشبرد منافع خود دور ببینند با گستاخی - چون سالیان ۸۰ و ۸۸ - زیر پا می‌گذارند. آن‌ها جمهوریت نظام را در قدرت‌سالاری خود، خود را نماد انحصاری ملت و رأی‌آوری غیر را نشانه تقلب، مهندسی و حذف عناصرشان می‌خوانند. اما هر بار انتخاب شوند در شیوه اخذ رأی، چون و چرایی نیست. با حضور نمایندگان اصلاحات در دو مناظره اول ثابت شد که ایشان علاوه بر بی‌برنامگی، ناتوانی در پاسخگویی و افتخار نامیدن خسارات جای عذرخواهی؛ هیچ التزامی به اخلاق سیاسی و صدق لسان ندارند که پیروزی را تلاشی در هضم قدرت - چپاول ثروت می‌بینند که اگر میسور نشد، می‌توان کل بازی را بر هم زد یا تا حد ممکن از رأی رقیبان با تخریب و تهمت کاست. زیرا یک رئیس‌جمهور ضعیف، به راحتی آلت دست تبلیغات روانی رسانه‌ها شده و بهترین نشانه بر جناحی بودن انتخابات در ایران خواهد بود. مسئله وحدت نیروهای انقلاب برای جلوگیری از شکستن آراء و بالا آمدن غرب‌گرایان الزامی منطقی است. می‌بایست از تفرقه و تخریب درون جناحی پرهیز کرد و به ائتلاف باشخصیتی که مقبولیت و توانایی بیشتری در استفاده از ظرفیت‌های دیگران دارد، به‌عنوان گزینه نهایی جبهه انقلاب، دعوت کرد.

مردم، ملاک عمل، انگیزه حرکت و پشتوانه قدم‌هایش باشد نه خواست یک جریان، تحکم یک طایفه یا سلیقه یک گروه؛ همچنین مهر تأیید شریعت اسلامی را مبنای سنجش و روح جاری در قوانین خود کرد تا پیروی از مکاتب شرقی و غربی، صورت‌گر قواعد و ملاک بخش برنامه‌هایش نگردد. بنابراین «انقلاب ۵۷، خالی از جمهور ملت یا روبه‌رو ایستاده شریعت، دوام و قوامی ندارد.»

مشهودترین شیوه سنجش مقبولیت یک حکومت در نزد مردم، بررسی «میزان مشارکت اجتماعی در انتخابات، جریان‌ات و تصمیمات نظام سیاسی» است. بنابراین می‌توان میانگین ۶۳ درصدی حضور ایرانیان در دوازده دوره انتخابات ریاست جمهوری را، ملاک مناسبی در سنجش میزان کارآمدی قوای اجرایی و مقدار مقبولیت رژیم سیاسی دانست. در دهه چهارم انقلاب، اتفاق منحوسی را شاهدیم: تقابل توده‌های نخبگانی با مفادی از قانون اساسی - چون: نظارت استصوابی شورای نگهبان، اطلاق اختیارات ولی فقیه، فعالیت اقتصادی سپاه و حضور منطقه‌ای نیروی قدس - همراه با قدرت‌یابی گونه‌ای از مدیران عاقبت‌طلب و نامعتقد به انقلاب که مسیر رهایی از مشکلات داخلی را در چشم‌پوشی از منافع ملی به ازای کاهش فشار خارجی می‌کاوند. مدیرانی که «در افکار عمومی متهم به کارنامه‌ای ضعیف و فسادآلود، به‌وقت پاسخگویی، مملو از فرافکنی و مطالبات غیرقانونی و در سنجش کارآمدی، ضایعه‌ای شوم و فاجعه‌ای خودستایشگرند». این جریان که در طول سالیانی دراز، بسیاری از مصادر اصلی را به رنگ و بوی خود آلوده کرده؛ درخت انقلاب را از زخم معترضین معیشت و دل‌زدگان مقاومت، پر می‌کند و با ایجاد موانع و انحرافات در مسیر تحقق اهداف و مطالبات، نسلی پرهزینه و سست‌مایه را در دامن نظام می‌اندازد. بحران کارآمدی که بخشی معلول تحریم و عمده‌اش مولود تنازل کیفی مدیریت و تخصیص ناصحیح منابع ملی است؛ دل‌سردی از نتایج انقلاب، بی‌اعتمادی به مسئولین و بی‌اعتقادی به‌نظام جاری را چون بذری مسموم در دل جامعه رشد می‌دهد. در نتیجه با قفل کردن توان کشور: «مردم را از انقلاب خود پشیمان، نظام را در اضطرار سرگردان، توسعه را به اختلال و کندی مبتلا و روابط خارجی را در انفعال و تهاجم بیشتر، محصور و منکوب می‌کند.»

در روزهای اخیر انتخابات ۱۴۰۰ دور سیزدهم ریاست جمهوری، شاهد آنیم که برخی عناصر وابسته به جناح اصلاح‌طلب، از عدم احراز صلاحیت دو تن از مهره‌های سیاسی‌شان - مانند دیگر دوره‌ها - شیپور تبلیغات را علیه اعضا و ساختار شورای نگهبان گرفته، جمهوریت نظام را انکار کرده و به نظام، اتهام چندباره مهندسی انتخابات - برای پیروزی یک کاندید خاص - چسباندند. این طیف، نتیجه عدم الورد کاندیدی مطلوبشان را فقدان دوقطبی رادیکال و کاهش مشارکت نامیده و تمام تقصیر را متوجه نظام قانونی انتخابات در ایران نمودند. این قسم بداخلاقی‌ها در حالی صورت گرفت که اصلاحات سهم ۸ ساله عملکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت خود «با تورم ۵۲ درصدی، تعطیلی گسترده کارخانه جات، مال باختگی بی‌سابقه مردم در مؤسسات بانکی و بورسی، تبدیل دلار ۳ هزار تومانی به ۲۳ هزار تومانی، مسکن ۷ برابری، خودروی ۶ برابری، خوراک و پوشاک ۵ برابری، افزایش ۳ برابری قیمت بنزین در یک‌شب و آشوب خیابانی هزار شهر با ۲۳۰ کشته، در کنار ترور محبوب‌ترین شخصیت‌های نظامی و علمی کشور، حملات مکرر سایبری و نظامی رژیم صهیونیستی، تا یک‌قدمی جنگ با آمریکا رفتن، وضع ۵۰۰ تحریم جدید اقتصادی علی‌رغم اعطای تعهدات گسترده حقوقی - نظارتی - امنیتی در برجام، عقب‌گرد و توقف عمده در روند توسعه هسته‌ای و نجومی، تحمیل فشار تصویب اسناد ۲۰۳۰، پالرمو، اف‌ای‌تی‌اف، مدیریت نامناسب کنترل شیوع و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا، توزیع کند واردات، ساخت و تزریق واکسن، ده‌ها وعده بر زمین‌مانده انتخابات ۹۲ - ۹۶ رئیس

ابرهشتگ

#تحریم_انتخابات

#پرووی_نجومی #جلیلی

#مهر_علیزاده #نجات_ایران

#رای_نمیدهم

#رایسی

#مناظره ۱۴۰۰

#نه_به_جمهوری_اسلامی #همتی

#رای_میدهم

رصد توصیفی

ویژگی های نامزدها در نظر کاربران توئیتر

داشتن برنامه	۳۱.۹%
قوت در مناظره	۳۱.۸%
مخالفت با وضع موجود	۲۲.۹%
اخلاق مداری	۸%
ناکارآمدی سیاست خارجی	۲.۸%
ضعف در مناظره	۲.۶%



ضدیت با وضع موجود	۴۴.۵%
برنامه و دانش اقتصادی	۲۵.۷%
قوت در مناظره	۱۵.۹%
توجه به قومیت ها	۶%
انتقاد به عملکرد در جنگ	۲.۸%
حضور مکرر در انتخابات	۲.۶%
سطح پایین سواد اقتصادی	۳.۹%
روحیه نظامی	۱.۶%



اخلاق مداری و متانت	۳۶.۲%
کارآمدی و برنامه	۲۶.۱%
انتشار مدرک دکتری	۱۲.۶%
مخالفت با وضع موجود	۱۲.۱%
بی عدالتی در قوه قضائیه	۵.۲%
تسلط کم به مسائل کشور	۳.۱%
مدرک ششم ابتدایی	۳%
سایر	۱.۸%



پاسخ مناسب به همتی	۵۶.۷%
بیان صادقانه	۸.۳%
رفتار انقلابی	۶.۳%
فساد ستیزی	۳.۵%
فاسد دانسته شدن	۱۵.۴%
برنامه نداشتن	۶.۳%
درگو دانسته شدن	۵.۲%
کاندیدای پوششی	۳.۳%



اخلاق در مناظره	۴۹.۹%
مخالفت با وضع موجود	۲۱.۱%
بی اخلاق رقبا در مناظره	۴.۴%
تعلق به جریان انقلابی	۱.۲%
پوششی بودن	۱۸.۸%
ضعف بیان محتوا	۲.۹%
انتقاد از تبلیغات انتخاباتی	۱.۷%



باسوادی و توانایی	۱.۴%
کاهش سطح مناظرات	۱۵%
ناکارآمدی	۱۱.۱%
فساد اطرافیان	۳.۵%
بی اخلاقی در مناظرات	۷۳.۹%



بانی وضع موجود	۲۹.۵%
ضعف در مناظره	۲۱.۵%
مناظره با جلیلی	۱۳%
ناکارآمدی	۳۳%



لایک	۳۷۲/۹۵۶
توئیٹ	۱۹/۳۶۷
کاربران	۹/۷۸۸
ریتوئیٹ	۵۱/۵۳۳



لایک	۲۹۵/۱۶۵
توئیٹ	۱۵/۵۸۵
کاربران	۹/۲۱۸
ریتوئیٹ	۶۸/۱۲۵



لایک	۶۷۷/۵۹۵
توئیٹ	۵۵/۳۹۶
کاربران	۱۹/۸۸۱
ریتوئیٹ	۱۲۲/۵۹۷



لایک	۶۷۷/۵۹۵
توئیٹ	۵۵/۳۹۶
کاربران	۱۹/۸۸۱
ریتوئیٹ	۱۲۲/۵۹۷



لایک	۶۸/۳۵۵
توئیٹ	۲۱/۵۱
کاربران	۵/۳۵۶
ریتوئیٹ	۳/۷۵۱



لایک	۳۵۱/۵۸۷
توئیٹ	۲۳/۵۴۵
کاربران	۱۱/۸۵۲
ریتوئیٹ	۵۱/۸۴۵



لایک	۹۲۷/۵۷۶
توئیٹ	۶۵/۳۵۲
کاربران	۲۲/۲۳۷
ریتوئیٹ	۱۳۹/۵۸۳





مهدی مهدی پور

طلبه سطوح عالی حوزه علمیه تهران/کنشگر اجتماعی

دور زمانی نیست که مراجع نقشی اساسی و حیاتی در تحولات اجتماعی-سیاسی داشتند، اگر بنا بود جنگی بشود، نظر آنها تعیین کننده بود (بسیج مردم برای مبارزه با روسیه در زمان صفوی) اگر بنا بود صلحی بشود، مراجع باید امضایی بر مقبولیت آن میزدند. آنها توان تحریم معاهدات حکومتی داشتند و می توانستند بزنند زیر قول و قرار مضر پادشاهان قاجار. آنها ایشان که حتی معتقد به سیاسی بودن اسلام نبودند، همچنان در زمینه های مختلف محل رجوع بسیاری از معتقدانشان بودند. امروز شاید به جرعت بتوان گفت، مقدار اندکی از مرجعیت مراجع باقی مانده است، آنها دیگر مثل گذشته محل رجوع مردم نیستند، تنها جایی که هنوز مرجعیت مراجع باقی مانده است، مساله ی احکام فردی است که آنهم غالباً گوگل است که مرجع مقلدان می باشد نه مستقیماً خود مراجع یا رساله هایشان.

فکر نمی کنم الان اگر یک چالش اجتماعی یا سیاسی و یا فرهنگی و الخ پیش بیاید، حتی در اذهان متدینین این شکل بگیرد: «آقا عجب موضوع مهمی و چالش پیچیده ای، اولین فرصت باید ببینم نظر مرجع چیه؟ مطمئنم من رو از سر درگمی در میاره، به هر حال اسلام در هر موضوعی نظر داره و مرجع من هم داناترین آدم ها به نظر دین هست»!!!

حال باید دید که چرا مراجع این طور بی فالوور شده اند و حیطه رجوع به آنها اینقدر تنگ شده است. خصوصاً اینکه بعد از انقلاب اسلامی طبیعتاً هم محدودیت های حکومتی برداشته شده و هم بسیاری از امکانات مثل حضور در صدا و سیما، دانشگاه ها، مدارس، نهاد ها ... برای روحانیون چه برسد مراجع آزاد شده است. دلایل زیادی را میتوان برای این فاجعه نام برد، از تهاجم فرهنگی علیه حوزه و روحانیت تا تأثیرات روند مدرنیسم در دنیا، که اساساً دین را به یک گوشه ی خلوت و تاریک جهان فرستاده چه برسد کارشناسان آن را. یا عملکرد مسئولین سیاسی که با تظاهر به دوستی با دین و کارشناسان آن، در این سالها ضربه به اعتبار «شخصیت دینی» که از جمله ی آن مراجع می باشند، زده است.

از این دلایل زیاد می توان شمرد: بررسی شیوه ی مقابله ی مراجع با این اتفاقات بماند برای بعد، چیزی که در این جا بناست از آن بگوییم، دقیقاً صحبت از یک کوتاهی مستقیم است: «غیبت محسوس علما در جهان بزرگ اطلاعات». امروز اگر در فضای مجازی بگردید، به ندرت یک مرجع فعال را می بینید که با توجه به مخاطب و دغدغه های آن فعالیت کند. وایرال شدن یک ویدیو از مراجع در زمینه ی موضوعات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا حتی دینی تقریباً امروز تبدیل به یک افسانه شده است. در همین حال حاضر، نقش مراجع بزرگوار در رخدادهای مهمی مثل انتخابات ۱۴۰۰ را ملاحظه فرمایید: حضور آنها در این رخداد بزرگ سیاسی- اجتماعی در همین میزان است؛ یک عکس نوشت که در آن گفته شده: «شرکت در انتخابات واجب شرعی است و اگر موجب تضعیف حکومت اسلامی شود، حرامی است بزرگ»

مخاطب امروز وقتی تنها چیزی که از مراجع می بیند، همین است که آنهم توسط گردان های فجازی عموماً نهادهای خاص منتشر میشود، آیا نباید انتظار داشت که مراجع را صرفاً حامیان حکومت بدانند که نقششان تنها تاییدی بر تمام مشکلات و مفاسد است.

مراجع امروز اگر هم حرفی از حقوق مردم بزنند و وظایف حکومت را یادآوری کنند، یا در مقام پاسخگویی به برخی سوالات مردم قرار بگیرند، کسی نیست که آن را منتشر کند و البته مهمتر، خودشان هم برنامه ای برای انتشار ندارند.

جان کلام امروز جهان وارد دنیای جدیدی به نام سوشال مدیا شده است، شهروندان آن کاربرانی هستند که بخش زیادی از زندگی شان و الگوهایشان را از در همان فضا انتخاب میکنند. غیبت چشمگیر مراجع در اکثر رخدادها و حضور یهویی آنها در دعوت به انتخابات، قبول کنید که شبهه آفرین است.

پرواضح است که اگر می گوییم مراجع قدم در این دنیای جدید بگذارند، مدنظر این نیست که خودشان اصطلاحاً ادمین بشوند و جذب فالوور کنند؛ بلکه مراد برنامه داشتن، بستر سازی و حضور در این فضا با ساز و کارهای خودش است.

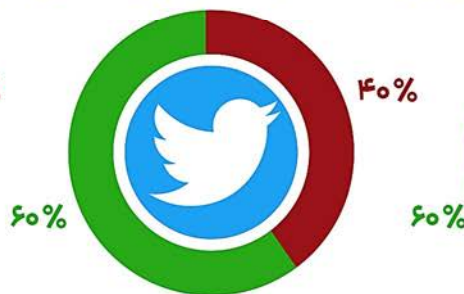
به عنوان مثال (راهکار)، امروز بسیاری از شرکت ها و نهاد ها و اشخاص مطرح جهان مثل پاپ، شخصی را با عنوان «مدیر برند» به کار گرفته اند. مدیر برند در تلاش است که بین آن مقام (و یا شرکت) با مردم عادی در فضای رسانه ای رابطه ی ای دوستانه و صمیمی برقرار کند و خلاصه با توجه به قواعد این دنیای جدید، روابط را تقویت و مدیریت کند.

کسانی که تنها در بزرگراه هایی مثل انتخابات، ۲۲ بهمن، اغتشاشات سراغ مراجع می آیند و موافقت آنها دال بر حمایت از حکومت را منتشر می کنند، بدون هیچ توضیحی از جانب آنان، ناخواسته تکه ای از اعتبار هزارساله ی روحانیت که همواره در کنار مردم بوده را به یغما می برند.

خلاصه بزرگواران یا بیابند داخل این جهان فجازی (که اکیداً توصیه می شود) یا کلهم اجمیعین نیابند، این مدل موجود فعلی، آفتش از هر دو بیشتر است.

تحلیل آماری

تخمین میزان درصد مشارکت کاربران فضای مجازی در انتخابات با استفاده از کلان داده ها



ویژه نامه سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فضای مجازی، هنر و رسانه
اداره پایش، رصد و آینده پژوهی

مدیر مسئول و سردبیر: بهنام معینی مجد

مدیر هنری: مرتضی نظرزاده
هیئت تحریریه: محمدجلیلی، حسن آقاجانی، فاطمه حیدری، بهنام معینی مجد، مصطفی تشیعی، فاطمه داداشی، طاهره ملکیان، مصطفی کرفی، فاطمه لطیفی



www.eshragh.ir



@resano_org

راه های ارتباطی با ما:

صفحه نامه
پایش و رصد
فضای مجازی